

اقتصاد جهانی، عدالت جهانی

ایرادات نظری و سیاست‌های جایگزین نویلبرالسم

جورج اف. داتینو

ترجمه: مؤسسه موج

دفتر مطالعات اقتصادی

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

دمارتینو، جورج اف.

اقتصاد جهانی، عدالت جهانی: ایرادات نظری و سیاست‌های جایگزین
نولیبرالیسم/ نویسنده جورج اف. دمارتینو؛ ترجمه پرویز قاسمی، آریتا گل‌زاده
فصلنامه؛ ناظران علمی محمدقلی یوسفی، سیداحسان خاندوزی. — تهران:
مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها، ۱۳۹۲.

۴۷۴ ص: جدول، نمودار. — (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ ۱۳۹۲/۱۱۲)

ISBN: 978-600-6350-13-4: ریال ۱۲۰۰۰۰

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیفا.

نوع منبع: چاپی.

کتابنامه: [۴۶۱]-۴۷۴.

۱. اقتصاد - فلسفه. ۲. اقتصاد بین‌الملل. ۳. سیاست اقتصادی. ۴. مکتب اقتصاد
نئوکلاسیک. ۵. عدالت اجتماعی. ۶. آزادی‌خواهی. الف. قاسمی، پرویز، مترجم.
ب. گل‌زاده قشارفچایی، آریتا، مترجم. ج. یوسفی، محمدقلی، ناظر علمی. د. خاندوزی،
سیداحسان، ناظر علمی. ه. مجلس شورای اسلامی. مرکز پژوهش‌ها. دفتر مطالعات
اقتصادی. و. عنوان.

HB ۷۲/د۸الف۷۷

۱۳۹۲

این کتاب ترجمه‌ای از اثر زیر است:

George F. DeMartino, *Global Economy, Global Justice; Theoretical Objections and Policy Alternatives to Neoliberalism*, Routledge, London, 2000.

عنوان: اقتصاد جهانی، عدالت جهانی

ایرادات نظری و سیاست‌های جایگزین نولیبرالیسم

مؤلف: جورج اف. دمارتینو

ترجمه: مؤسسه مرور وقایع جهان (موج)

پرویز قاسمی، آریتا گل‌زاده فصلنامه

ناظران علمی: دکتر محمدقلی یوسفی، دکتر سیداحسان خاندوزی

ناشر: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۲

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال

مسئولیت صحت مطالب کتاب با مترجمان است.

کلیه حقوق برای مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی محفوظ است.

فهرست مطالب

۱.....	سخن ناشر
۳.....	یادداشت مترجمان
۵.....	اقتصاد جهانی، عدالت جهانی
۷.....	پیشگفتار
۱۳.....	تقدیر و سپاس
۱۵.....	مقدمه: وعده‌ها و چالش‌های نولیرالیسم جهانی
۱۵.....	۱. سخن اول
۱۶.....	۲. پیروزی نولیرالیسم جهانی
۱۹.....	۲-۱. وعده‌های نولیرالیسم جهانی
۲۰.....	۲-۱-۱. بازار
۲۳.....	۲-۱-۲. بازار جهانی
۲۶.....	۲-۱-۳. بحران آسیا و نولیرالیسم
۲۹.....	۲-۲. آیا تردیدها منطقی است؟
۳۲.....	۲-۲-۱. تصویر سه‌گانه نولیرالیسم جهانی
۳۲.....	۲-۲-۱-۱. بازار جهانی
۳۳.....	۲-۲-۱-۲. کارگاه جهانی
۳۶.....	۲-۲-۱-۳. کازینوی جهانی
۳۷.....	۲-۲-۲. ادعای نولیرالیسم
۴۴.....	۲-۳. نتیجه‌گیری
۴۶.....	۳. رئوس مطالب کتاب
۵۷.....	بخش اول موضوعات هنجاری
۵۹.....	مقدمه

۵۹	۱. دستاورد اقتصادی مناسب حاصل چیست؟
۶۶	۲. تأثیرات متقابل بررسی‌های تجربی و هنجاری
۶۹	۳. نظریه تحویل‌گرا در مقابل ضدتحویل‌گرا
۷۵	فصل اول نظریه نئوکلاسیک و رفاه‌گرایی
۷۵	مقدمه
۷۵	۱. نظریه نئوکلاسیک و دیدگاه آن
۸۱	۱-۱ فرضیات اولیه: پایه و اساس نظریه نئوکلاسیک
۸۱	۱-۱-۱ موضوع مصرف
۸۳	۱-۱-۲ موضوع تولید
۸۴	۱-۱-۳ موضوع کمیایی
۸۶	۱-۱-۴ اقتصاد چیست؟
۸۹	۱-۲ موضوعات هنجاری
۹۰	۱-۲-۱ رفاه‌گرایی و مطلوبیت‌گرایی
۹۶	۱-۲-۲ رفاه‌گرایی و دیدگاه نئوکلاسیک
۹۹	۱-۲-۳ دیدگاه نئوکلاسیک و توزیع
۱۰۰	۱-۲-۳-۱ متناسب با مشارکت افراد
۱۰۳	۱-۲-۳-۲ در نگاه اول
۱۰۴	۱-۳ نتیجه‌گیری
۱۰۵	فصل دوم رفاه‌گرایی و بازار
۱۰۵	مقدمه
۱۰۷	۲-۱ تعهدات نهادی: تحلیل از بازار
۱۱۰	۲-۱-۱ فرضیات جانبی
۱۱۲	۲-۱-۲ بازار و رفاه اجتماعی
۱۲۴	۲-۱-۳ بازار و توزیع
۱۳۰	۲-۱-۴ بازار و پیشرفت اقتصادی
۱۳۴	۲-۲ نقایص بازار
۱۳۸	۲-۲-۱ شکست دولت
۱۴۳	۲-۲-۲ فرضیات اولیه به‌عنوان عصاره موضوع
۱۴۵	۲-۳ بحث و جدل درباره بی‌طرفی ارزشی، رفاه‌گرایی و تحویل‌گرایی

۱۴۶	۲-۳-۱ بی‌طرفی ارزشی و رفاه‌گرایی
۱۴۶	۲-۳-۱-۱ برون‌زا بودن ترجیحات
۱۵۰	۲-۳-۱-۲ ترجیحات در مقابل ارزش‌ها
۱۵۳	۲-۳-۱-۳ مقایسه‌های بین افراد
۱۵۴	۲-۳-۱-۴ ناشناخته بودن ترجیحات
۱۵۵	۲-۳-۱-۵ نابرابری در منابع
۱۵۶	۲-۳-۲ اقتصادهای ضدتحويل‌گرا
۱۶۰	۲-۳-۳ بازار: نظریه ضدتحويل‌گرا
۱۶۵	۲-۴ نتیجه‌گیری: واری‌نولیرالیسم
۱۶۹	فصل سوم عدالت توزیعی و دگراندیشی اقتصادی
۱۶۹	مقدمه
۱۷۰	۳-۱ «رالز» و نظریه عدالت به‌مثابه انصاف
۱۷۴	۳-۲ مایکل والزر و قلمروهای عدالت
۱۷۷	۳-۳ موجه بودن نهادگرایی
۱۸۳	۳-۳-۱ جان آر. کامونز
۱۸۶	۳-۳-۲ جامعه و توزیع
۱۸۷	۳-۴ سنت مارکسیستی
۱۸۷	۳-۴-۱ مارکسیسم و طبقه
۱۹۱	۳-۴-۲ مارکس و استثمار
۱۹۳	۳-۴-۳ تعهدات هنجاری مارکسیستی
۱۹۶	۳-۵ «سن» و برابری توانمندی‌ها
۱۹۹	۳-۵-۱ برابری توانمندی‌ها و اصل تفاوت
۲۰۴	۳-۵-۲ قابلیت‌ها، آزادی و رفاه
۲۰۶	۳-۶ عدالت توزیعی و طبیعت انسان
۲۰۹	۳-۶-۱ پاداش‌ها و انگیزش‌های بازار
۲۱۵	۳-۷ مساوات‌گرایی در مقابل نولیرالیسم
۲۱۵	۳-۷-۱ پاداش مشارکت: استدلال ابزاری
۲۱۸	۳-۷-۲ پاداش مشارکت: استدلال ذاتی
۲۲۳	۳-۸ نتیجه‌گیری

بخش دوم نولیب‌رالیسم جهانی	۲۲۵
مقدمه	۲۲۷
فصل چهارم ارزش‌ها و اصول چه کسی؟ نسبی‌گرایی، جهان‌شمولی و عدالت	۲۳۳
مقدمه	۲۳۳
۴-۱ نظام‌های سیاستگذاری جهانی و اختلاف هنجاری میان فرهنگی	۲۳۵
۴-۲ عینیت‌گرایی اخلاقی	۲۳۶
۴-۳ «والزر» و نسبیت‌گرایی فرهنگی	۲۴۰
۴-۴ ضدذات‌گرایی در مقابل نسبیت‌گرایی: رویکرد دوگانه خودی - بیگانه	۲۴۷
۴-۴-۱ سرشت متقابل فرهنگ‌های متمایز	۲۴۹
۴-۴-۲ جدال دوگانگی خودی - بیگانه	۲۵۶
۴-۵ اخلاق بین‌المللی و هماهنگ‌سازی جهانی قابلیت‌ها	۲۵۹
۴-۵-۱ بین‌الملل‌گرایی یا امپریالیسم؟	۲۶۵
۴-۶ نتیجه‌گیری	۲۶۸
فصل پنجم چالش رقابت‌پذیری	۲۷۵
مقدمه	۲۷۵
۵-۱ ریشه‌های سیاست رقابت‌پذیری	۲۷۸
۵-۱-۱ یکپارچگی اقتصادی، جابه‌جایی و رقابت‌پذیری	۲۸۳
۵-۱-۲ اقتصاد سیاسی سیاستگذاری صنعتی	۲۸۵
۵-۱-۳ ویژگی‌های خط‌مشی صنعتی	۲۸۸
۵-۱-۴ از سیاست صنعتی تا رقابت‌پذیری	۲۹۱
۵-۲ دیدگاه تقویت رقابت‌پذیری ترقی‌خواه	۲۹۳
۵-۲-۱ تخصیصی شدن انعطاف‌پذیر	۲۹۴
۵-۲-۲ رویکرد حاکمیت شرکتی	۲۹۷
۵-۲-۳ رویکرد روابط صنعتی	۳۰۱
۵-۲-۴ رویکرد سرمایه انسانی	۳۰۳
۵-۳ سیاست صنعتی در مقابل سیاست رقابت‌پذیری	۳۰۵
۵-۳-۱ بررسی دیدگاه افزایش رقابت‌پذیری ترقی‌خواه	۳۰۹
۵-۴ ضد رقابت‌پذیری	۳۱۸

۳۲۲	۵-۴-۱	تمجید از رقابت
۳۲۴	۵-۴-۲	تحرك سرمايه
۳۳۰	۵-۴-۳	ارزيابي ايده ضد رقابت پذيري
۳۳۲	۵-۵	ديدگاه کاهش رقابت
۳۳۵	۵-۵-۱	بازنگري تعريف رقابت بازاری
۳۳۶	۵-۵-۲	خارج کردن «X» از رقابت
۳۳۹	۵-۵-۳	قضاوت درباره دیدگاه کاهش رقابت
۳۴۰	۵-۶	نتیجه‌گیری
۳۴۱		فصل ششم نزاع در تجارت
۳۴۱		مقدمه
۳۴۴	۶-۱	تجارت استراتژیک
۳۴۷	۶-۱-۱	ارزيابي تجارت استراتژیک
۳۴۸	۶-۲	دیدگاه نئوکلاسیک و تجارت آزاد
۳۵۰	۶-۲-۱	تأثيرات توزيعی تجارت
۳۵۲	۶-۲-۲	ریشه‌های مزیت نسبی
۳۵۶	۶-۲-۳	انتخاب سیاست، مزیت نسبی و سبیت‌گرایی فرهنگی
۳۶۲	۶-۳	ارزيابي تجارت آزاد
۳۶۴	۶-۳-۱	خط‌مشی، ترجیحات و سیاست
۳۶۹	۶-۴	تجارت منصفانه
۳۷۱	۶-۵	طرح‌های پیشنهادی تجارت منصفانه
۳۷۲	۶-۵-۱	رویکرد منشور اجتماعی
۳۷۴	۶-۵-۲	رویکرد تعرفه اجتماعی
۳۷۸	۶-۵-۳	رویکرد اصول «سالیوان»
۳۸۰	۶-۶	نتیجه‌گیری
۳۸۳		بخش سوم بازاندیشی نظام‌های سیاست جهانی
۳۸۵		مقدمه
۳۸۷		فصل هفتم سیاست‌های اقتصاد جهانی برای سال ۲۰۲۵
۳۸۷		مقدمه

۳۸۹	۷-۱ اصلاحات تجاری: ساختار تعرفه‌ای اجتماعی محور
۳۹۶	۷-۱-۱ نظام جدید تجاری
۴۰۵	۷-۱-۲ منشور اجتماعی مبتنی بر نظام تعرفه‌ای اجتماع محور
۴۰۶	۷-۲ تنظیم رفتار شرکتی
۴۰۷	۷-۲-۱ آیین‌نامه جهانی رفتار شرکتی
۴۰۹	۷-۲-۲ مالیات و یارانه شرکتی
۴۱۱	۷-۳ محرک‌پذیری نیروی کار
۴۱۸	۷-۳-۱ ایجاد نهادهای جهانی جدید
۴۲۰	۷-۴ سیاست‌های برابری قابلیت‌ها
۴۲۱	۷-۴-۱ انقلاب در مقابل اصلاحات
۴۳۵	۷-۴-۲ ارتقای همبستگی جهانی
۴۲۷	۷-۴-۳ توسعه سیاست مبتنی بر گفت‌وگو
۴۳۳	یادداشت‌ها
۴۶۱	منابع و مآخذ

سخن ناشر

از دیرباز یکی از نقدها به نظام اقتصاد سرمایه‌داری، عدم تأمین عدالت اجتماعی است که در قالب تشدید محرومیت، فقر و تبعیض خودنمایی می‌کند. در الگوهای کلاسیک، این مسئله، پیامد طبیعی حرکت در مسیر رشد اقتصادی است. این نگرش غیراخلاقی و غیرمسئولانه به حقوق و شرافت انسانی موجب شد مکاتب نظری منتقد و هم‌زمان جریان‌های اجتماعی - سیاسی معترضی شکل گیرد. پس از بحران بزرگ و جنگ جهانی دوم که الگوی کلاسیک به شکست خود اعتراف کرد، سازوکارهایی برای ترمیم این نقصان اندیشیده شد که بعدها به الگوی سرمایه‌داری تعدیل‌یافته شناخته گردید؛ سازوکارهایی که تلاش داشت تصویر فقر خشن را از طریق انواع یارانه‌ها، بیمه بیکاری و تأمین اجتماعی کمرنگ سازد.

پس از دهه ۱۹۹۰ میلادی که با حذف قطب کمونیسم و ظهور دوران شبکه‌های اطلاعاتی و «عصر جهانی‌شدن» همراه بود، به‌دلیل اهرم‌های تکنولوژیک و حقوقی در اختیار نظام سرمایه‌داری نوین (مانند نهادهای اقتصادی و سیاسی بین‌المللی)، مرحله جدیدی از جهان‌گستری الگوی تولید و مصرف و سیاستگذاری آمریکایی - انگلیسی آغاز شد و پیرو آن نگرانی‌ها از تکرار پیامدهای ناعادلانه سرمایه‌داری در گستره جهانی افزایش یافت. آمارهای برنامه توسعه ملل متحد در اواخر دهه ۱۹۹۰ تأیید می‌کرد طی دهه‌های گذشته همواره شکاف بین ثروتمندان و فقرا در جهان رو به افزایش بوده است. منتقدان نظام سرمایه‌داری از بحران‌های اقتصادی و مالی به‌عنوان عناصر ذاتی سرمایه‌داری نام می‌برند که بیشترین زیان آن متوجه گروه‌های محروم، حاشیه‌نشین، فقرا و بیکاران خواهد شد.

کتاب حاضر گرچه پیش از بحران ۲۰۰۸ آمریکا و اروپا به رشته تحریر درآمده است، اما حتی بدون در دست داشتن شواهد اخیر، توانسته کاستی‌های نظری اقتصاد سرمایه‌داری نوین را در تأمین عدالت به‌خوبی تبیین کند. داشتن نگاه جهانی به مسئله اقتصاد و عدالت، تمرکز بر مباحث نظری و استدلالی و مقایسه رویکردهای مختلف از ویژگی‌های برجسته این کتاب به‌شمار می‌رود. اثری که امیدواریم به خوانندگان دانش‌پژوه فارسی‌زبان برای یافتن مجموعه‌ای از نقدهای نظری به نظام سرمایه‌داری نوین کمک درخور توجهی نماید. گرچه نویسنده تلاش کرده از میان رویکردهای موجود، به‌زعم خود، عادلانه‌ترین رویکرد (دیدگاه قابلیت آماریا سن) را برای اصلاح مناسبات اقتصادی صرفی کند اما روشن است که صاحب‌نظران داخلی می‌توانند از سرچشمه غنی اندیشه اسلامی، گام‌هایی فراتر از این کتاب بردارند.

انتشار این کتاب ازسوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با عنایت به رسالت آن در نقد مبانی اقتصاد رایج برای دستیابی به الگوی اقتصادی اسلامی - ایرانی صورت می‌گیرد. امیدواریم در این مسیر از همکاری و نقدهای سازنده اهل دانش و پژوهش بهره‌مند باشیم. در پایان از مؤسسه مرور وقایع جهان (موج) که ترجمه کتاب را برعهده داشتند و همچنین از آقایان دکتر محمدقلی یوسفی و دکتر سیداحسان خاندوزی که بازبینی، ویرایش و نظارت علمی را عهده‌دار بودند سپاسگزار می‌شود.

دکتر کاظم جلالی

رئیس مرکز پژوهش‌ها

یادداشت مترجمان

سپاس بی‌کران، لطف و مرحمت حق تعالی را که ما را در مسیری قرار داد تا در فراهم کردن زمینه کسب هرچه بیشتر بضاعت علمی خود و دانش‌پژوهان عرصه‌های مختلف سهیم باشیم. آنچه ما را ترغیب به تحریر بخشی در قالب یادداشت مترجمان کرد، نخست لزوم تقدیر و سپاس از همه اساتید، صاحب‌نظران و همکاران محترمی است که بی‌لطف و عنایت خاص آنها، این مجلد به این مرحله نمی‌رسید. این اثر، ترجمه کتاب *اقتصاد جهانی، عدالت جهانی؛ ایرادات نظری و سیاست‌های جایگزین نولیرالیسم*، «جورج اف. دمارتینو» است که با راهنمایی اساتید محترم آقایان دکتر محمدقلی یوسفی، دکتر محمودرضا امینی و دکتر بهزاد پورسید به قلم ما ترجمه شد.

از آنجاکه قرن بیست‌ویکم، عصر تحولات شگرف و بازسازی نظام‌های اقتصادی دیرپای جهان است، بر آن شدیم تا با انتخاب مجموعه‌ای کامل، عناوین و مؤلفه‌هایی نظیر برابری، نابرابری، عدالت، جهانی شدن، نظام‌های اقتصادی، بازار و ... را بیش‌ازپیش قابل دسترس و در اختیار افشار اهل علم اقتصاد، اقتصاددانان و دانش‌پژوهان این حوزه قرار دهیم. امید است مخاطبان محترم نیز مترجمان را از اظهارنظر علمی خود بی‌نصیب نگذارند تا مجموعه کتبی که از این مسیر قرار است وارد عرصه کتب اقتصادی مرجع کشور شوند، روزبه‌روز پربارتر و غنی‌تر گردند. به‌رحال امیدواریم توانسته باشیم نیاز مخاطبان و دانش‌پژوهان این عرصه را با وجود مسیر دشوار و پرتحقیقی که به‌مراتب فراتر از ترجمه محض بوده است، در حد بضاعت خود تأمین کرده باشیم.

اقتصاد جهانی، عدالت جهانی

کتاب *اقتصاد جهانی، عدالت جهانی* به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال مهم و اساسی است که هر دستاورد اقتصادی مناسب حاصل چیست؟ این کتاب، تعهدات هنجاری نظریه اقتصاد نئوکلاسیک نسبت به رفاه‌گرایی و این ادعا که اقتصاد بازارمحور جهانی در حال ظهور، امروزه مظهر امکان‌پذیرترین مرحله توسعه اقتصادی است را مردود می‌شمارد. این اثر به جای حمایت از نولیبرالیسم جهانی، از سیاست‌هایی حمایت می‌کند که برابری و مساوات جهانی را گسترش می‌دهد. نویسنده نشان می‌دهد که اقتصادهای نئوکلاسیک دربرگیرنده برخی فرضیات غیرقابل قبول درباره طبیعت بشر، جامعه و علم است که افشای آنها پایه‌های اخلاقی نولیبرالیسم جهانی را فرومی‌ریزد.

اقتصاد جهانی، عدالت جهانی به دنبال جایگزین‌هایی برای رفاه‌گرایی است که از لحاظ اخلاقی مقبول باشند. این کتاب، با بهره‌گیری از دیدگاه «آمارتیا سن»، اصل تساوی‌طلبانه «همسان‌سازی قابلیت‌ها در جهان» را توصیه می‌کند. این اصل، ضمن احترام به تفاوت‌های فرهنگی، پایه‌ها و بنیان‌هایی را برای مقابله با ظلم و ستم ارائه می‌نماید و برای پایان دادن به مباحث فعلی مرتبط با نظام‌های سیاست جهانی تلاش می‌کند و در نهایت با مجموعه‌ای از سیاست‌های جهانی تساوی‌گرایانه برای سال ۲۰۲۵ کتاب را به پایان می‌برد.

پیشگفتار

پیش از آغاز مطالعه کتاب حاضر از خوانندگان می‌خواهم همراه با من به یک تمرین ساده بپردازند. لطفاً در ذهن خود و یا روی تکه‌ای کاغذ این جمله را کامل کنید: «یک سیاست یا بازدهی اقتصادی مناسب آن است که ...». لطفاً برای کامل کردن جمله فوق از معیار یا معیارهایی استفاده کنید که فکر می‌کنید برای ارزیابی سیاست‌های اقتصادی یا بازدهی و نتایج اقتصادی حاصل از این سیاست‌ها مناسب‌اند. سیاست اقتصادی باید چه اهدافی را دنبال کند و یا چه بازده و نتایجی را به دنبال داشته باشد؟ اگر تاکنون هیچ مطالعه اقتصادی نداشته‌اید و یا قبلاً به این سؤال فکر نکرده‌اید، نگران نباشید. مطمئن هستم همین الان حداقل چندین دیدگاه متفاوت به ذهنتان خطور کرده است. این دیدگاه‌ها چه هستند؟

اکنون جمله دوم را کامل کنید: «وقتی اقتصاددان‌ها ادعا می‌کنند که یک سیاست یا بازدهی اقتصادی مناسب است، منظور آنها این است که ...». شاید اطلاع دارید که اکثر اقتصاددان‌ها، طرفدار تجارت آزاد هستند. همچنین ممکن است بدانید که آنها از اقتصاد بازار در قبال نظام‌های برنامه‌ریزی دولت حمایت می‌کنند. اما آنچه من از شما می‌خواهم، ارائه معیار یا معیارهایی است که با آن به نتایج فوق رسیده‌اند. چرا اقتصاددان‌ها از تجارت آزاد و اقتصاد بازار در قبال دیگر برنامه‌های جایگزین حمایت می‌کنند؟ آنها انتظار دارند سیاست‌ها و نهادهای فوق چه نتایج و حاصلی را به دنبال داشته باشد؟

آخرین جمله‌ای که می‌خواهم آن را کامل کنید این است: «یک نظریه خوب، نظریه‌ای است که ...». برای کامل کردن این جمله توجه داشته باشید که یک نظریه

مناسب باید چه کاری انجام دهد، چه ویژگی‌هایی داشته باشد و یا به چه شکل و قالبی درآید؟ هریک از ما در زندگی خود بارها مجبور شده است بین نظریه‌های مختلف و متضاد، یکی را انتخاب کند. از شما می‌خواهم برای یک لحظه به معیاری بیاندیشید که هنگام انتخاب بین نظریه‌های مختلف، از آن برای انتخاب صحیح بهره می‌گیرید.

تا حدودی هدف از نگارش کتاب حاضر، گفت‌وگو درباره سؤالاتی است که در اینجا مطرح شده است. به عقیده نویسنده بیشتر مردم به‌خوبی می‌دانند که اقتصاددان‌ها از چه سیاست‌ها، نتایج و پیامدهای اقتصادی حمایت می‌کنند، اما اکثر آنها دلیل این حمایت و دیدگاه‌های اقتصادی را نمی‌دانند. علاوه بر این بیشتر مردم به‌ویژه دانشجویان علم اقتصاد با اصول اساسی نظریه‌ای که اقتصاددان‌ها از آن بهره می‌گیرند - یعنی «نظریه نئوکلاسیک» - به‌خوبی آشنایی دارند، اما نمی‌دانند چرا این نظریه بیش از دیگر نظریه‌های اقتصادی، مفید و مناسب تلقی می‌شود که اینها دلایل خوبی برای ناهمسانی در دانش اقتصادی است. درحالی‌که اقتصاددان‌ها برای تصمیم‌گیری درباره گزینه‌های مختلف سیاست اقتصادی، زمان زیادی را صرف می‌کنند اما به‌ندرت درباره مبنا و پایه‌های تصمیم‌گیری خود به‌صراحت سخن می‌گویند و همچنین به‌ندرت پیش از سخنان و اظهارات خود در تجارت یا اقتصاد بازار به ارائه دلایل واضح و صریح درباره معیارهای هنجاری می‌پردازند که با آن به نتایج مورد نظر رسیده‌اند (با این اوصاف انتظار دفاع از این معیارها از سوی اقتصاددان‌ها به‌طور کلی واهی و منتفی است). در عوض آنها به‌گونه‌ای رفتار می‌کنند که گویا معیارهای مورد نظر به‌خوبی شناخته شده‌اند و نیازی به تشریح ندارند؛ گویی این معیارها را همه جهان پذیرفته‌اند و نیازی به دفاع از آنها نیست؛ یا گویی تعهدات و مسئولیت‌های هنجاری به‌کلی در ارزیابی سیاست‌های اقتصادی نقشی ندارند و یافته‌ها و نتیجه‌گیری آنها (اقتصاددان‌ها) به‌طور کلی بر پایه منطق علمی دقیق و قاطع بنا شده است. آنها همچنین هنگام تصمیم‌گیری درباره مسائل سیاست اقتصادی نسبت به نظریه‌های دیگر زمان اندکی را برای توجیه بهره‌گیری از نظریه نئوکلاسیک صرف می‌کنند. استنباطی که می‌توان در این خصوص داشت، اینکه نظریه فوق (نئوکلاسیک) هر مفهومی که داشته باشد یک نظریه منحصرأ صحیح و درست است.

اما باید گفت هیچ‌یک از اظهارات فوق صحیح نیست. دفاع اقتصاددانان نئوکلاسیک

از نتایج سیاست‌ها به‌طور کلی مبتنی بر یک تعهد هنجاری است که «رفاه‌گرایی»^۱ نامیده می‌شود. بدون چنین معیاری، اقتصاددان‌های نئوکلاسیک برای دفاع از تجارت آزاد یا اقتصاد بازار مبنای اصولی خاصی نخواهند داشت. این یک تعهد پذیرفته شده جهانی نیست - نه درون محدوده نظریه اقتصادی و نه فراتر از آن قرار دارد - درواقع خارج از حیطه علم اقتصاد اکثر متخصصان نظریه هنجاری نمی‌توانند از نظریه نئوکلاسیک بهره‌چندانی ببرند. اگرچه این نظریه به نتایج خطمشی و سیاستی که خود به‌وجود آورده، تعصب شدید و عمیقی دارد، اما به‌نظر می‌رسد درباره عدم گفت‌وگو درخصوص مبحث سیاست اقتصادی، نوعی توافق حرفه‌ای وجود دارد؛ مثلاً به سخنان اقتصاددانی که با مخاطبان خود درباره تجارت صحبت می‌کند، توجه کنید، وقتی از سخنان او به‌سختی می‌توان فهمید معیار «رفاه‌گرایی» چیست، درک دلیل اتخاذ و قبول چنین سیاستی کاملاً منتفی است.

به این ترتیب انتخاب نظریه نئوکلاسیک میان دیگر نظریه‌های جایگزین اقدام صحیح و درستی نیست البته نه به این معنا که کاملاً نادرست است، بلکه منظور این است که انتخاب نظریه، کاری پیچیده و چالش‌برانگیز است و چنین انتخابی به تصور و درک صحیح ما از برخی مسائل برمی‌گردد؛ مانند نظریه خوب چه شرایطی دارد؟ به چه نتایجی می‌انجامد؟ به دنبال چیست؟ باید به چه شکل و قالبی درآید؟ و سؤالات و عوامل بسیاری که باید به آنها اندیشید و پاسخ گفت. هیچ‌یک از سؤالات فوق، بدیهی یا ساده نیست و همان‌طور که در این کتاب آمده است، عوامل فوق به تعهدات هنجاری خاصی بستگی دارد. پنهان و یا حتی مخالفت و سرکوب کردن گسترده این تعهدات در مباحث سیاست و نظریه‌های اقتصادی به‌منزله بی‌اهمیت بودن آنها نیست؛ اما این کار می‌تواند به خطرناک شدن این تعهدات منجر شود.

در این کتاب سعی کرده‌ایم به مفهوم اصول و پایه‌های هنجاری سیاست‌های اقتصادی معاصر پی ببریم. برای این کار ابتدا از مباحث نظری آغاز و به تدریج به بررسی مباحث عملی معاصر در نظام‌های سیاست جهانی خواهیم پرداخت. متأسفانه بیشتر متون اقتصادی نئوکلاسیک، که به‌طور گسترده سعی در معرفی این نظریه دارند،

تعهدات هنجاری نظریه فوق را مورد اغماض قرار داده و درباره این تعهدات به ارائه توضیحات اجمالی بسنده کرده‌اند. این اشکال درباره منتقدان نظریه نئوکلاسیک نیز به خوبی صدق می‌کند که سعی در برطرف کردن این اشکال نظری داریم. درواقع یکی از اهداف نگارش این کتاب تشریح و تصریح تعهدات هنجاری است که اقتصاددان‌های نئوکلاسیک و اقتصاددانان دارای عقاید متفاوت و دگراندیش، آنها را به عرصه سیاست اقتصادی وارد کرده‌اند. یکی دیگر از اهداف آن نشان دادن تأثیرات و تبعات قدرتمند تعهدات هنجاری فوق است. این تعهدات در روند قضاوت اقتصاددانان در مورد آنچه می‌تواند به دستور اقتصادی مناسب بیانجامد، تأثیر چشمگیری می‌گذارد. همان‌طور که خواهیم دید اقتصاددانان مختلف پاسخ‌های کاملاً متفاوتی را برای سؤال فوق (چه چیزی می‌تواند به بازدهی اقتصادی مناسب بیانجامد) ارائه می‌کنند که موجب عدم توافق آنها درباره گزینه‌های سیاست اقتصادی مورد نظر می‌شود. البته نه به این وضوح، اما با اهمیتی مشابه، تعهدات هنجاری بر قضاوت اقتصاددانان درباره اینکه حوزه علم اقتصاد کدام است و چه اهدافی را دنبال می‌کند، تأثیر می‌گذارد. تعهدات فوق همچنین بر تصمیمات اقتصاددانان حتی درباره ساختار نظریه‌های اقتصادی نیز تأثیرگذار است. درواقع اقتصاددانان (درست مانند هریک از ما) برای انتخاب الگوهای نظری مطرح با مجموعه‌ای از تعهدات هنجاری پیشین، راهنمایی و هدایت می‌شوند که شاید کاملاً به آنها واقف نباشند.

امیدواریم کتاب حاضر در روند اثبات ادعاهای فوق باعث درک منتقدانه و بهتر دانشجویان و دیگر علاقه‌مندان علم اقتصاد از مبحث سیاست اقتصادی شود و خوانندگان پس از مطالعه این کتاب بتوانند به بنیان موضوعات سیاست‌های اقتصادی نگاهی عمیق بیاندازند و قادر باشند آن‌دسته از تعهدات هنجاری را که هریک از مباحث سیاست اقتصادی بر پایه آنها بنا شده است، به خوبی شناخته و مورد بررسی قرار دهند.

این کتاب اهداف دیگری را نیز دنبال می‌کند که یکی از آنها پاسخ به این سؤال است که چرا تعهدات هنجاری اقتصاد نئوکلاسیک از «رفاه‌گرایی» انتقادپذیر است. نویسندگان برای پاسخ به این سؤال، به ایرادها و انتقادهایی پرداخته که برای نظریه‌پردازان و فیلسوفان سیاسی کاملاً شناخته شده است، اما برای اکثر دانشجویان علم اقتصاد و

حتی اغلب اقتصاددانان ناآشناست. کتاب حاضر همچنین به ارائه یک «موقعیت هنجاری تساوی طلبانه بین المللی»^۱ می پردازد که برگرفته از ایده های «آمارتیا سن»، برنده جایزه نوبل اقتصاد می باشد. این موقعیت می تواند مبنای اخلاقی ایجاد نظام های جدید سیاست جهانی اقتصاد قرار گیرد که در دنیای مملو از نابرابری های آشکار و ویرانگر استفاده شود. نویسندگان به جای دفاع ساده و مختصر از این موقعیت هنجاری سعی کرده است با بررسی نظام های سیاسی جدیدی که با این موقعیت، منطبق و سازگارند به بررسی ارزش های آن بپردازد. به عقیده او ارزیابی و نقد اصول هنجاری باید به طور گسترده بر مبنای تبعات عملی این اصول صورت بگیرد. در واقع نویسندگان می خواهند این نکته را بیان کنند که جایگزین های «سیاست تساوی طلبانه بین المللی» هم مطلوب و پسندیده است و هم در دسترس، و همچنین امروزه نابرابری های موجود و فاحش زندگی انسان ها در سراسر جهان، قابل دادرسی است.

بنابراین هدف نویسندگان دارای دو بعد است. حتی تحقق یکی از اهداف - اثبات اینکه تعهدات هنجاری در لایه های زیرین مبحث سیاست اقتصادی معاصر پنهان است، این تعهدات از اهمیت بسزایی برخوردارند و همواره باید مشروعیت و آثار آن را مورد بررسی قرار داد - نیز رضایت بخش است. با تحقق حتی بخشی از هومین بعد اهداف نویسندگان - تشویق دیگران برای پیوستن به مبارزه پرتحرک و پویای تجدیدنظر و بازنگری علم اقتصاد به گونه ای که از رفاه گرایی به سمت تساوی گرایی جهانی حرکت کند - در آن صورت می توان امیدوار بود که همه انسان هایی که امروزه از ابتدایی ترین و اساسی ترین آزادی ها و توانایی های بشری محروم هستند، آینده روشن و مطلوب تری پیش رو خواهند داشت. برخی انسان ها معتقدند رفاه گرایی برای آن دسته از نظام های سیاسی مانند نولیبرالیسم جهانی که به گسترش نابرابری های فاحش در سراسر جهان می پردازند، نوعی پوشش و سپر هنجاری است. برای همه این افراد، جایگزینی نظام های سیاسی فوق به نوعی چالش نظری و حتی اخلاقی پویا تبدیل شده است.

ذکر دو نکته واژه شناسی در اینجا می تواند از ایجاد ابهام و سوء تفاهم برای خواننده

جلوگیری کند. اول آنکه نویسنده در این کتاب گاهی به جای استفاده از لغات و ضمائر «زن» و «مرد» یا «زنان» و «مردان» که تعیین کننده جنسیت هستند، از دو کلمه «مؤنث» و «مذکر» استفاده کرده است. دوم آنکه مکرراً از دو کلمه «شمال» و «جنوب» برای اشاره به مناطق «غنی» و «فقیر» دنیا استفاده کرده است، چون به نظر او این کلمات کمتر از واژه‌هایی مانند «جهان اول و جهان سوم» یا «پیشرفته و عقب مانده» مشکل ساز است. اگرچه کلماتی مانند «شمال» و «جنوب» هم کاملاً مطلوب و ایدئال نیستند و تفاوت و تشابهات چندبندی موجود در این دو دسته بندی را نقض می کنند. نویسنده از این واژه‌ها بیشتر به عنوان کلماتی اختصاری بهره گرفته و نه کلماتی که از لحاظ نظری دارای معنا و مفهوم اند.

تقدیر و سپاس

ایده نگارش کتاب حاضر سال‌ها پیش و به دنبال گفت‌وگوهایی که با «استفان کالنبرگ» داشتم، به ذهن من خطور کرد. گفت‌وگوهای فوق درباره پیشنهادهایی بود که از سوی برخی اقتصاددان‌های سیاسی ترقی خواه درباره بازگرداندن رفاه و آسایش کارگران آمریکایی با ارتقای رقابت‌مندی شرکت‌های آمریکایی در بازارهای جهانی ابراز می‌شد. اگرچه این ایده به‌نظر درخور تحسین و ستایش بود، اما تجویز افزایش رقابت شرکت‌های آمریکایی در بازارهای جهانی اشکالات اساسی داشت. گفت‌وگوها و مباحث من با «کالنبرگ» به همکاری گسترده و در نتیجه نگارش چندین مقاله منجر شد که در آنها ناکارایی و نقص شدید مبنای هنجاری سیاست مذکور مورد بحث و بررسی قرار گرفته بود. برخی مباحث مطرح شده در فصل‌های ششم و هفتم کتاب حاضر، حاصل این همکاری است و من سپاسگزار او هستم که اجازه داد از مطالب مذکور در اینجا بهره بگیرم.

در برخی از مباحث آثار و عقاید «استفان رسنیک»^۱ و «ریچارد وولف»^۲ را نقل قول کرده‌ام که به‌ندرت بیانگر میزان دین من به این افراد است. اگرچه مطمئن هستم افراد فوق با بسیاری از مطالب ارائه شده در این کتاب مخالفت خواهند کرد، اما باید بگویم ارزش بهره‌گیری از آثار و آموخته‌های آنها در مباحث این کتاب قابل تخمین نیست.

سال‌ها مشارکت و همکاری من با «انجمن تحلیل اجتماعی و اقتصادی»^۳، فواید بی‌شماری برایم به دنبال داشت و دوستی‌ها، مشوق‌های فکری و حمایت‌هایی را به من

1. Stephen Resnick

2. Richard Wolff

3. The Association for Economic and Social Analysis (AESAs)

هدیه کرده که توصیف آنها ناممکن اما فراموش نشدنی است. این انجمن در دنیای انزواطلب و فردگرایی علم و ادب، اجتماعی کاملاً بی‌نظیر است. در اینجا می‌خواهم قدردانی و سپاس قلبی خود را از اعضای این انجمن اعلام کنم.

فارغ‌التحصیلان دانشکده مطالعات بین‌الملل دانشگاه دنور^۱ (دانشکده‌ای که در آن تدریس می‌کنم) حمایت‌های بی‌شائبه خود را هرگز از من دریغ نکردند. می‌بایست امتنان قلبی خود را از حمایت‌های «برایان هالما»، «گیل کاسون»، «تری مارتینز»، «مینو پالانی»، «ساین پولسن»، «کری ریکونو»، «ریتو شارما» و «اسکات سالومن» ابراز کنم.

از «سوزان استرت» که پیش‌نویس برخی فصول این کتاب را نقد و بررسی کرد کمال تشکر را دارم. «اینس کراپل» با مطالعه پیش‌نویس چندین فصل از کتاب و ارائه نظریات بسیار ارزشمند، مرا عمیقاً مدیون همکاری‌های پویا و پرتحرک خود کرد. «آنجلا ویگمور»، ویراستار من در انتشارات «بوک کرافت» نیز با ویراست چندین باره متن دست‌نویس کمک شایانی به پیشرفت کتاب کرد و من عمیقاً سپاسگزار کار دقیق او هستم. همچنین از نظریات و قضاوت‌های بی‌طرفانه «روتلیج» سپاسگزارم که با خواندن متن پیش‌نویس به ارائه سازنده‌ترین و دقیق‌ترین پیشنهادهای و نظریه‌هایی پرداخت که تاکنون در طول سال‌ها تجربه حرفه‌ای خود با آن مواجه بوده‌ام. پیشنهادهای و انتقادهای تمام افراد فوق بسیار کارآمد و مؤثر بود و من سعی کرده‌ام با توجه دقیق به ملاحظات و نظریات آنها در بازبینی نهایی کتاب، تلاش آنها را مورد قدردانی قرار دهم.